



نقد زیبایے شناختے اشعار پروین دولت آبادی

تالیف: فاطمہ بھرامی صالح

۷۲۱۹۱

نقد زیبایی شناختی اشعار پروین دولت آبادی

فاطمه بهرامی صالح

۱۳۹۵



سرشناسه: بهرامی صالح، فاطمه، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدیدآور: نقد زیبایی‌شناختی اشعار پروین دولت‌آبادی/تالیف فاطمه بهرامی صالح.
مشخصات نشر: تهران: نگدخت، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۴۶-۹۶-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیها
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: دولت‌آبادی، پروین، ۱۳۰۳ - ۱۳۸۷ -- نقد و تفسیر
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
موضوع: زیبایی‌شناسی در ادبیات
رده بندی کنگره: ۲۳/PIR۸۰۲۳/۱۳۹۵۷ و ۸۲
رده بندی دیویی: ۶۲/۱۸
شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۹۱۲۳۰



نقد زیبایی‌شناختی اشعار پروین دولت‌آبادی

تالیف: فاطمه بهرامی صالح

محل نشر: تهران / سال نشر: ۱۳۹۵ / شمارگان: ۵۰۰ / چاپ: اول /

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۴۶-۹۶-۱

نشانی: خیابان جمهوری، ابتدای نوفلاح، پلاک ۱، واحد ۴. تلفن: ۶۶۵۶۵۱۳۲

تقدیم به:

مادرم

که زیبا زیستن

و

زیبا نگریستن را

به من آموخت

و به

امیرحسین و آرشام

که کودکانه هایشان رهنمودی بود

در نگارش این کتاب

فهرست

فصل اول : مقدمه	۹
۱-۱. سرآغاز	۱۰
۱-۲. زندگی نامه شاعر	۱۱
۱-۳. آثار چاپ شده	۱۳
۱-۴. تعریف زیبایی	۱۴
۱-۵. اصطلاح زیبایی شناسی	۱۴
۱-۶. زیبایی شناسی ذهنیت گرا و عینیت گرا	۱۵
۱-۷. تاریخچه نظریه زیبایی شناسی	۱۶
۱-۸. زیبایی شناسی در دوران باستان	۱۶
۱-۹. زیبایی شناسی جدید	۲۱
۱-۱۰. زیبایی شناسی شعر	۲۵
۱-۱۰-۱. زیبایی لفظی (بدیع)	۲۷
۱-۱۰-۲. زیبایی معنوی (بیان)	۲۸
۱-۱۰-۳. خیال و نقش آن در تولید زیبایی	۳۰
۱-۱۰-۳. زبان	۳۴

فهرست ۵

۱-۱۰-۱. زبان شعر ۳۶

۴-۱۰-۱. موسیقی ۳۷

۱-۴-۱۰-۱. شکل ۳۹

فصل دوم: معرفی ادبیات کودک و عوامل مؤثر در زیبایی شعر

دولت‌آبادی ۴۱

۱-۲. ادبیات کودک ۴۲

۱-۱-۲. تاریخچه ی ادبیات کودکان در جهان ۴۳

۲-۱-۲. ادبیات کودک در ایران ۴۵

۲-۱-۳. شعر کودک ۴۸

۱-۳-۱-۲. آهنگین بودن ۴۹

۲-۳-۱-۲. خیال انگیز بودن، نقش خیال در شعر کودک ۵۳

۲-۳-۱-۳. گویا بودن ۵۶

فصل سوم: تحلیل صور خیال ۵۹

۱-۳. صورخیال ۶۰

۱-۱-۳. تشخیص ۶۱

۲-۱-۳. استعاره مکنیه ۶۲

۳-۱-۳. استعاره مصرحه ۶۳

۴-۱-۳. تشبیه ۶۵

۱-۴-۱-۳. تشبیهات فشرده ۶۶

۶..... نقد زیبایی‌شناختی اشعار پروین دولت‌آبادی

۶۷..... ۳-۱-۲. تشبیهات گسترده

۶۹..... ۳-۱-۵. کنایه

۷۰..... ۳-۱-۶. عناصر سازنده صور خیال

۷۱..... ۳-۱-۷. تناسب تصاویر و تخیلات مورد استفاده شاعر با خیال‌های کودکانه

۷۱.....

۷۳..... ۳-۱-۸. نگاهی کلی به صور خیال

۷۵..... فصل چهارم: تحلیل زبانی

۷۶..... ۴-۱. زبان

۷۶..... ۴-۱-۱. ویژگی‌های واژگانی

۸۰..... ۴-۱-۱-۱ ترکیبات

۸۱..... ۴-۱-۱-۲. ویژگی‌های فعل

۸۴..... ۴-۱-۲. ویژگی‌های نحوی

۸۵..... ۴-۱-۲-۱. ایجاز

۸۷..... ۴-۱-۲-۲. اطناب

۹۰..... ۴-۱-۲-۳. در هم ریختگی نحو جملات

۹۶..... ۴-۱-۲-۴. کاربرد زبان عامیانه

۹۷..... ۴-۱-۳. نگاه کلی به زبان

۹۹..... فصل پنجم: تحلیل موسیقی

۱۰۰..... ۵-۱. تحلیل موسیقی

۵-۱-۱. شکل و ساختمان شعر..... ۱۰۰

۵-۱-۲. موسیقی بیرونی ۱۰۳

۵-۱-۳. موسیقی کناری ۱۰۵

۵-۱-۴. موسیقی درونی..... ۱۱۰

۵-۱-۵. موسیقی معنوی ۱۱۴

۵-۱-۶. نگاه کلی به موسیقی ۱۱۶

فصل ششم: تحلیل محتوایی ۱۱۹

۶-۱. تحلیل محتوایی ۱۲۰

۶-۱-۱. مضامین وصفی ۱۲۱

۶-۱-۲. مضامین رفتاری ۱۲۶

۶-۱-۳. مضامین تخیلی ۱۲۹

۶-۱-۴. داستان گوئی ۱۳۰

۶-۱-۵. لالایی ها ۱۳۱

۶-۱-۶. نگاه کلی به محتوا ۱۳۲

فصل هفتم: رابطه‌ی شکل و محتوا ۱۳۵

۷-۱. رابطه شکل و محتوا ۱۳۶

۷-۱-۱. تناسب موسیقی و محتوا ۱۳۶

۷-۱-۲. تناسب زبان و محتوا ۱۳۹

۸ نقد زیبایی شناختی اشعار پروین دولت آبادی

فهرست منابع و مآخذ ۱۴۱

فصل اول : مقدمه

۱-۱. سرآغاز

نقد زیبایی‌شناختی بررسی اثر از نظر عناصر شکل و صورت مثل ؛ وزن، تصویر زبان و عناصر محتوا مثل لحن و درون مایه می باشد که در ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند. در نقد زیبایی‌شناسی شعر کودک استفاده از تصاویر ساده و قابل فهم برای کودکان، موزون و آهنگین بودن، صریح و گویا بودن ، اندیشه ساز و خیال پرداز بودن از عناصر اصلی است.

پروین دولت آبادی از جمله شاعرانی است که هم در حوزه ادبیات کودک و نوجوان و هم بزرگسال فعالیت داشته است. نقد زیبایی‌شناختی آثار او می تواند کمک شایانی به توسعه نقد در دو حوزه کودک و نوجوان بکند ضرورتی که هنوز انجام نگرفته است.

سابقه تحقیق در آثار پروین دولت آبادی محدود می شود به چند مقاله که پس از مرگ او در بزرگداشتش نوشته شد و منحصر به زندگی نامه و ذکر آثار او پرداخته اند و هیچ گونه نقد و تحلیل منسجم از اشعار او صورت نگرفته است، تنها در دو کتاب با صبح دمان (میمنت میر صادقی) و بر کران بی کران (داریوش صبور) ، به معرفی مختصری از شاعر و ذکر چند شعر از او پرداخته شده است . با توجه به این که دولت آبادی از شاعران موفق در زمینه ادبیات کودک است نقد زیبایی‌شناختی آثارش کمک شایانی به توسعه نقد در حوزه ادبیات کودک و نوجوان خواهد کرد. این پژوهش سعی بر آن است، تا نقاط قوت و ضعف شاعر و میزان خلاقیت و نوآوری

اودر زمینه های موسیقی، زبان، خیال های شاعرانه و محتوا بررسی شده و میزان توانایی او در برقراری تناسب بین عناصر شکل و محتوا نشان داده شود. روشی که در تدوین این پژوهش به کار گرفته شده روش بلاغی و محتوایی است. ابتدا با مراجعه به کتابخانه و منابع تحقیق در مورد زیبایی شناسی فلسفی و زیبایی شناسی شعر کودک، بررسی تئوریک صورت گرفته و به عوامل مؤثر در زیبایی شناسی شعر کودک به طور مفصل پرداخته شده است. سپس با مطالعه ی مجموعه اشعار پروین دولت آبادی به نقد و تحلیل زیبایی شناسانه ی اشعار او پرداخته ایم.

این پژوهش درسه فصل نوشته شده که هر فصل بخش های مجزا دارد:

فصل اول، کلیات و مبانی تحقیق است، ابتدا به معرفی شاعر و مختصری از زندگی نامه اومی پردازد سپس واژه زیبایی شناسی و زیبایی شناسی فلسفی و تاریخچه آن مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد. قسمت بعد به زیبایی شناسی شعر اختصاص دارد و پس از معرفی عوامل مؤثر در زیبایی شناسی شعر به بررسی هر یک از این عوامل (زیبایی لفظی، معنوی، زیبایی صوری و زبان شعری) در بخش های مجزا می پردازد.

فصل دوم: این فصل به معرفی ادبیات کودک، شعر کودک و بررسی عوامل مؤثر در زیبایی شعر کودک در بخش های مجزا می پردازد.

فصل سوم: تحلیل زیبایی شناسانه اشعار کودک دولت آبادی است که در پنج بخش؛ صورخیال، زبان، موسیقی، محتوا، پیوند شکل و محتوا، ارائه می گردد. در پایان هر بخش جمع بندی با عنوان نگاه کلی به مبحث مطرح می شود.

۱-۲. زندگی نامه شاعر

پروین دولت آبادی در سال ۱۳۰۳ در احمد آباد اصفهان به دنیا آمد، در همان شهر تحصیلات ابتدایی را سپری کرد، در ۱۴ سالگی به تهران آمد و در دبیرستانهای

صداقت و نوربخش به تحصیل پرداخت سپس به دانشکده هنرهای زیبا رفت، اما بعد از مدتی آن را رها کرد و در پرورشگاه شهرداری تهران مشغول به کار شد، در همین پرورشگاه بود که نخستین شعرهایش را برای کودکان سرود. پس از چند سال کار در پرورشگاه به شرکت نفت رفت و در آنجا به آموزش کارگران بی سواد پرداخت. دولت‌آبادی از خانواده‌های اصیل اصفهان از نسل یحیی دولت‌آبادی تاریخ نگار و آزادی‌خواه بود، پدرش (حسام الدین دولت‌آبادی، شاعر و نویسنده معاصر) و مادرش (فخر گیتی، مدیر و معلم مدرسه)، هر دو تجدّدخواه اجتماعی و فرهنگی دوره‌های اواخر قاجار و پهلوی اول بودند. پدرش در دهه ۲۰ شهردار تهران شد، دولت‌آبادی با آنکه در خانواده‌ای مرفه زندگی می‌کرد از همان جوانی انگیزه کار اجتماعی شدید داشت، او هم در زمینه فعالیت‌های فرهنگی و هم شعر گویی دنباله‌رو خاندان خویش بود. در کنار کار از تحصیل هم غافل نبود و سالیانی را به تحصیل در انگلیس و آمریکا پرداخت، در رشته (عکس برداری) در انگلیس تحصیل کرد و بعدها (دکترای آموزش پیش دبستانی) از آمریکا گرفت. او در ابتدای دهه ۴۰ به همراه پرویز ناتل خانلری انتشاراتی با هدف انتشار کار کودک راه اندازی کرد که پس از انتشار چند اثر از فعالیت باز ماند، در همین دهه به همراه محمود کیانوش باعث تحول در شعر کودک شد و در نشریه پیک کودک که آموزش و پرورش در ۵۰۰ هزار نسخه برای کودکان مدارس منتشر می‌کرد دعوت به کار شد. دولت‌آبادی در دهه ۴۰ و ۵۰ شاعری نام آشنا در شعر کودک بود، او علاوه بر سرودن شعر برای کودکان و نوجوانان در بهبود وضعیت اجتماعی آنها نیز کوشا بود و در آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان روش‌های تازه و مؤثری به کار گرفت و در کنار توران میرهادی جزو پایه‌گذاران نهاد کودکی مدرن در زمینه فعالیت‌های بهداشت و ادبیات کودکان بود. شهرت پروین دولت‌آبادی بیشتر در شعر کودک است و بسیاری او را شاعر کودک می‌دانند و به اشعاری که او برای بزرگسالان سروده چندان توجهی نشان نمی‌

دهند، اما وجود ۶ دفتر شعری در قالب های (غزل، مثنوی، چهارپاره و شعر نیمایی) نشان می‌دهد که او در زمینه شعر بزرگسال هم فعالیت داشته است. هر چند در عرصه شعر بزرگسال نتوانست جایگاهی چون هم دوره هایش پیدا کند، اما شعر بزرگسال او، هم از لحاظ تنوع مضامین: عشق، عرفان، فلسفه و.... و هم از لحاظ تنوع شکل و قالب و قابل بررسی است.

دولت آبادی بعد از انقلاب فعالیت چندانی نداشت، در روزنامه‌ها و مجلات ادبی هم کمتر نامی از او برده شده است، شاید نوآوری های حداقل در شعر، گرایش به سنت و کناره گیری از جریان های سیاسی اجتماعی زمانه سبب شد کمتر شناخته شود. او در فروردین ۱۳۸۷ در هشتاد و چهار سالگی در تهران درگذشت.

۱-۳. آثار چاپ شده

- (شور آب، برگزیده شعر بزرگسال) (۱۳۴۹)
- (آتش و آب، برگزیده شعر بزرگسال) (۱۳۵۲)
- (برقایق ابرها، مجموعه اشعار برای کودکان و نوجوانان) (۱۳۷۳) این مجموعه دربرگیرنده اشعاری است که شاعر برای کودکان و نوجوانان سروده است.
- (مهرتاب، مجموعه اشعار برای بزرگسالان) (۱۳۷۸) تمامی غزلها، مثنوی ها، چهارپاره و اشعار نیمایی او، در این مجموعه گردآوری شده است.
- (منظور خردمند، حافظ و جهان ملک خاتون) (۱۳۷۸) تحقیقی ادبی است، در مورد جهان ملک خاتون دختر مسعود شاه اینجو، شاعر هم عصر حافظ که همزمان با او در شیراز می‌زیست، دولت- آبادی در این تحقیق ادبی به زندگی نامه، کمیت و کیفیت اشعار جهان ملک خاتون می‌پردازد و با آوردن تعدادی از غزلیات حافظ و جهان ملک خاتون در کنار یکدیگر با ذکر شباهت غزلیات از نظر وزن، قافیه و ردیف

و به خصوص مضمون نشان می‌دهد که جهان ملک خاتون در سرودن غزلیاتش به غزلیات حافظ توجه داشته است.

- (هلال نقره ای، غزل، بزرگسال) (۱۳۸۲)

- (شهرسنگی، شعرنو، بزرگسال) (۱۳۸۲)

- (در بلورین جامه انگور، مثنوی، بزرگسال) (۱۳۸۲)

۱-۴. تعریف زیبایی

زیبایی امری است نسبی و نمی‌توان تعریف واحدی از آن ارائه داد و یک چیز را به دلیل داشتن ویژگی‌هایی خاص یا تناسب و توازن به طور مطلق زیبا خواند. تشخیص زیبایی و جمال دوستی در میان موجودات زنده فقط به انسان که اشرف مخلوقات است، تعلق دارد و امری فطری و طبیعی است انسان‌ها ذاتاً به دنبال زیبایی هستند، اما همه دارای عواطف و فرهنگ و استعدادهای یکسان نیستند و نمی‌توانند در برابر آثار هنری و طبیعت یکسان متأثر گردند. چیزی که در یکی اندیشه و خاطره ای را بیدار می‌نماید یا موجب ایجاد احساسی از غم یا شادی در فرد می‌شود ممکن است در دیگری هیچ گونه احساسی ایجاد نکند.

«زیبایی به طور کلی در اصل از طبیعت گرفته شده و زیبایی طبیعی است که سرمشق هنر و هنرمند گشته و هنرهای زیبا اساساً از آن بازمانده اند، اما هنر به زیبایی طبیعی محدود نمی‌شود بلکه هنرمند کوشش می‌کند با نبوغ و ابتکار و افکار درون خود بر زیبایی طبیعی بیافزاید.» (پروین، ۱۳۴۵: ۱۷)

۱-۵. اصطلاح زیبایی‌شناسی

«واژه زیبایی‌شناسی یا علم الجمال آن طور که در زبان فارسی متداول است و

معادل واژه (Aesthetics) به کار رفته، از نظام فلسفی خاصی سخن می‌گوید که کارش، کاوش در معنای جمال و شناخت زیرو بم های این پدیده است.» (هربرت، ۱۳۷۹: ۱)

در سال ۱۷۵۰ بوم گارتن) استتیکا(را منتشر کرد که رساله ای در نقد ذوق چون نظریه ای فلسفی بود، به تدریج) استتیک(به معنی چیزی که مربوط به سنجش زیبایی و نظریه ذوق است به کار رفت. Aesthete) ((زیبایی شناس) کسی است که در پی یافتن ودرک (زیبا) در هنر، موسیقی و ادبیات است (و)مکتب زیبایی شناسی(نیز اصطلاحی است که به جنبش آیین و طرز حساسیت) شیوه دیدن و احساس کردن اشیا(در قرن ۱۹ اطلاق شد و اصولا رساننده این دیدگاه است که هنر چیزی خود بسنده است ودر خدمت اغراض و اهداف دیگری جز خود نیست. (کادن، ۱۳۸۰: ۱۲)

۱-۶. زیبایی شناسی ذهنیت گرا و عینیت گرا

نظریه‌هایی که در مورد زیبایی بیان شده است به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند، زیبایی بیرونی و خارجی(Objective)، که به توصیف مشخصات ظاهری شیء می‌پردازد، به عنوان مثال: یک چهره یا یک منظره زیبا را توصیف می‌کند. علاوه بر آن زیبایی های دیگری هستند که بسیار دقیق و عمیق تر هستند واز راه انفعالاتی در ذهن، فکر وروح انسان ایجاد می‌شوند که آن را زیبایی درونی (Subjective) می‌نامند. «صاحبان نظریه های ذهنی می‌گویند زیبایی چیزی نیست که در عالم خارج وجود داشته باشد و بتوان آن را با شرایط و موازین معینی تعریف کرد، بلکه کیفیتی است که ذهن انسان در برابر بعضی محسوسات از خود ایجاد می‌کند، از طرف دیگر صاحبان نظریه های عینی معتقد هستند به اینکه زیبایی یکی از صفات عینی موجودات است و ذهن انسان به کمک قواعد و اصول معینی آن را

درک می‌کند، همان طور که معلومات دیگر را هم بر حسب قوانین مربوط به آنها درک می‌کند.» (کروچه، ۱۳۴۴، ۸-۷)

صاحبان نظریه عینی معتقدند که؛ یک اثر به خودی خود زیباست و ارزش را به خود اثر هنری می‌دهند، اما صاحبان نظریه ذهنی معتقد وقتی می‌گوییم چیزی زیباست مقصود این است که؛ من آن را دوست دارم و زیبایی امری ذهنی و شخصی است. به این ترتیب زیبایی‌شناسان به موضع‌گیری و تأکید بر عقیده خود مبتنی بر ذهنی یا عینی بودن زیبایی می‌پردازند.

۱-۷. تاریخچه نظریه زیبایی‌شناسی

برای پیدایش این پدیده تاریخ دقیقی نمی‌توان ذکر کرد، زیرا از آغاز پیدایش هنر ذهن آدمی همواره به زیبایی گرایش داشته است. با وجود این نخستین بحث‌های نظری در این باره را به افلاطون و دیگر علمای عهد باستان چون؛ ارسطو، هوراس و لانگینوس (لان جان نوس) نسبت می‌دهند، اما واژه زیبایی‌شناسی برای نخستین بار در سال ۱۷۵۰ میلادی به عنوان مقوله‌ای فلسفی در کتابی زیر همین نام توسط "الکساندر بوم گارتن" به کار برده شد. (مقدادی، ۱۳۷۸، ۳۰۸-۳۰۷)

با توجه به این که زیبایی‌شناسی ریشه در دوران باستان دارد، در این بخش ابتدا به بررسی زیبایی‌شناسی در دوران باستان می‌پردازیم و سپس نظریه‌های زیبایی‌شناسی نوین را بررسی می‌کنیم.

۱-۸. زیبایی‌شناسی در دوران باستان

سرچشمه زیبایی‌شناسی در دوره باستان را در یونان می‌توان جستجو کرد. این زیبایی‌شناسی با اشارات اتفاقی و با تئوریهای ناگهانی انگیزته شد که هیچ گاه در

رسیدن به یک نظریه مستقل در مورد زیبایی شناسی موفق نبود، بعدها مکتب فیثاغورث نظریه منظمی از زیبایی شناسی ارائه داد و آن اصل تعادل و هماهنگی بود و پایه ای شد برای یک مفهوم ماوراء الطبیعه که در عین حال نوعی مفهوم زیبایی شناسی از حقیقت بود. (آزند، ۱۳۷۴، ۱۵)

بشر در دوران باستان زحمات زیادی در راه هنر کشید، انواع مختلف آن: دستور زبان، فن معانی و بیان و قواعد شعر و مجموعه اصول مربوط به نقاشی، معماری و موسیقی به دست یونانی ها و رومی ها ایجاد شد، شک افلاطونی در مورد شعر، همچنین افکار عمیق ارسطو در مورد شعر، همگی نشان دهنده توجه به زیبایی شناسی در دوره ی باستان است، اما بشر در دوره باستان نتوانست به زیبایی شناسی به عنوان یک علم مستقل بنگرد. به عقیده ی "کروچه": «در فاصله میان تمدن یونان و قرن هفدهم (علم زیبایی شناسی) به معنی واقعی کلمه وجود نداشت، زیرا این مفهوم فقط در ضمن قضاوت ها و در خلال امثال و آراء سقراط و افلاطون به صورت جدا جدا و نامرتب یافت می شود و به عبارت دیگر با مفهوم های فلسفی دیگر رابطه منظمی ندارد. هم در مورد فلسفه هنر یا زیبایی شناسی و هم در مورد فن جدل باید گفت که علت فقدان آن از عهد قدیم تا طلوع دوره جدید وضع خاص فکر در دوره های باستانی، قرون میانه و رنسانس بوده که گاه در ماوراء الطبیعه و زمانی در این جهان و زمانی در جهان بعد سیر می کرده است.» (کروچه، ۱۳۴۴، ۱۹۳)

برای روشن تر شدن مباحث زیبایی شناسی در دوران باستان به ذکر آراء افلاطون و ارسطو در مورد زیبایی و شعر و نقد آراء آنها می پردازیم.

افلاطون زیبایی را خیر مطلق می داند، از نظر او عالم محسوس عالمی است ظاهری و مجازی که تنها با حواس شناخته می شود اما حقیقت کلی و تغییر ناپذیر است، عالم حقایق همان عالم مثال است که خیر مطلق است، اشیاء دیگر زمانی زیبا

هستند که بهره‌ای از مثال یا خبر مطلق داشته باشند و زیبایی و هنر را نوعی تقلید از طبیعت می‌داند. او معتقد است: شعر، موسیقی و نقاشی و... همه تقلیدند و ارزش آنها در حد سحر و شعبده است، اما تمام این‌ها زیر نظر فیلسوف مورد استفاده هستند و از آنها برای تربیت جوانان می‌توان بهره برد به شرطی که نزدیکی به طبیعت و حقیقت در آنها رعایت شود. «افلاطون جهان را حقیقتی می‌داند که انسان باید خود را با آن هماهنگ کند در نظر او هنرمند خالق نیست او در حقیقت مقلد است، تقلید نه تنها در زیبایی‌شناسی افلاطون بلکه در زیبایی‌شناسی کل جهان باستان، قرون وسطی و رنسانس یکی از اصول اساسی به شمار می‌رفت.» (اژند، ۱۳۷۴، ۱۶)

افلاطون در کتاب ایون، شعر را نوعی الهام الهی به ذهن شاعر می‌داند و معتقد است این خود خداوند است که گوینده اصلی است و از طریق شعرا با ما سخن می‌گوید، به این ترتیب خود او به این نتیجه می‌رسد که این تنها تقلید نیست که شاعر و هنرمند می‌سازد و به شاعر الهام می‌شود، بنابراین در امر الهی شرکت می‌کند و این شرکت و یا دمسازی با امر الهی جای هدف تقلید را می‌گیرد و هنر در یک تجربه متعال با شاعر، مفسر و مخاطب در هم می‌آمیزد، هنر و سنجش هنر از همان انگیزه لاهوتی مایه می‌گیرد و شعر بدون آن نمی‌تواند خلق شود. مفهوم مشارکت نظیر مفهوم تقلید به افلاطون مجال داد تا راجع به حقیقت نوعی دیدگاه عینی (ابزکتیو) پیدا کند و متن زمانی عین را به یک ساخت آرمانی و حتی روحانی تغییر دهد، شاعر حقیقتی را بیان می‌کند که خلاقیت ذهنی (سوبژکتیو) نیست بلکه انتزاعی است که متکی بر ادراکات عقلی می‌باشد. (تلخیصی از، همان، ۲۰-۱۸)

زیبایی‌شناسی ارسطو چون افلاطون ریشه در تقلید دارد و در فن شعر نیز تقلید نخستین اصل می‌باشد، اما نکته تفاوت نظریه ارسطو با افلاطون در این است که در نظر ارسطو شاعر دیگر مقلد محض نیست، ارسطو هنر را هر چه بیشتر به فلسفه نزدیک می‌کند برعکس افلاطون که آن را از فلسفه دور می‌کند او معتقد است:

«هنرمند به جای رهاسازی دنیای عقل و یا تسلیم به جنون بایستی خود را با موضوعات احتمال ضرورت انسجام و کلیت درگیر می‌کرد و هنرمند هرچه بیشتر به زمینه‌های فکری خاص فیلسوفان نزدیک می‌شد.» (همان، ۲۹) «ارسطو که یکی از بهترین مورخین فلسفه (امیل بوترو) او را مؤسس شناخت زیبایی نامیده، تعادل و هماهنگی اجزا و دقت را صفت ممیزه و اساسی زیبا شمرده است، هنرمند باید کار و اثری را که طبیعت ناقص گذارده، تکمیل نماید و به پایان برساند ولی این عمل باید در جهت طبیعت باشد، نه مخالف آن هر قدر در این راه بیشتر کامیاب گردد اثرش زیباتر خواهد بود.» (شاله، ۱۳۴۳ : ۱۲۴)

در هر صورت نه تعاریف افلاطون که زیبایی را خیر مطلق و تقلید از طبیعت می‌داند و نه تعریف ارسطو که در کنار تقلید، مفهوم تعادل و هماهنگی را بیان می‌کند هیچ یک تعریفی جامع و پذیرفتنی در مورد زیبایی نیست، زیرا از یک طرف، زیبایی را خیر مطلق نامیدن و هنرمند را مقلد محض دانستن و کنار گذاشتن نبوغ انسان، باعث می‌شد این علم هم چنان نا شناخته بماند و به صورت مستقل به آن پرداخته نشود، از طرف دیگر در کنار مفهوم تعادل و هماهنگی که ارسطو بیان می‌کند همواره این اشکال مطرح است که بسیاری از آثار ممکن است با وجود داشتن تناسب و هماهنگی و تعادل هیچ گونه احساس زیبایی تولید نکنند پس تناسب و هماهنگی صرفاً ترغیب کننده حس زیبایی شناسی نیست.

همان طور که گفتیم بشر در دوره باستان زیبایی را علمی مستقل نمی‌داند و آن را در کنار سایر علوم مطرح می‌کند، کنار هم قرار دادن (زیبا و خوب) و (زیبایی و حقیقت) تفکری است رایج در عهد باستان، افلاطون زیبایی را منطبق با خیر مطلق می‌داند و نظریه ی قدما در مورد زیبایی انطباق آن با اخلاقیات و خیر و نیکی است، یونانی‌ها می‌گفتند انسان ایده آل و کامل آن است که (خوب و زیبا باشد). فیلیسین شاله در کتاب شناخت زیبایی اظهار می‌دارد: «خوب و زیبا را یکی نامیدن هم از

لحاظ اخلاقی و هم از لحاظ هنری می‌تواند نتایج مضر و تأسف آور داشته باشد نتیجه آن از لحاظ استتیک و هنری پیدایش آثار مبتذل و بی ارزش (مبلغ اخلاق) است. « (شاله، ۱۳۴۳: ۱۲۳)

از طرف دیگر مسأله زیبایی و حقیقت مطرح می‌شود، منطبق دانستن زیبایی با واقعیت از دیگر تفکرات زیبایی‌شناسانه در عهد باستان است، فیلسین شاله در کتاب (شناخت زیبایی) با مطرح کردن این مسأله، حقیقت و زیبایی را در عین تشابه و نزدیکی با ارائه مثال‌های مختلف از هم جدا می‌کند، او به این امر مهم اشاره دارد که خیلی از حقایق علمی هیچ‌گونه احساسات استتیک تولید نمی‌نمایند، مثلاً وقتی می‌گوییم حرارت فلزات را منبسط می‌کند، هیچ‌گونه احساس زیبایی به همراه ندارد، در مقابل زیبایی هم همیشه منطبق با واقع نیست، آثار ماهرانه و خوب از آب در آمده هنرهای ایده‌آلیست زیبا هستند ولی منطبق با واقع نیستند. (همان، ۱۳۲-۱۳۱)

در حقیقت زیبایی همان گونه که گاه می‌تواند منطبق با واقعیت باشد، گاه نیز دروغ و مخالف حقیقت است، دریافت یک دانشمند از طبیعت کاملاً منطبق با واقعیت آن است، اما یک هنرمند با نبوغ و احساس خود پا به عرصه طبیعت می‌گذارد، به عنوان مثال: هنرمند در نگاه به آبشار تنها واقعیت خارجی آن را نمی‌بیند و به توصیف واقعیت خارجی آن بسنده نمی‌کند، بلکه چیزی از روح و احساس خود هم در آن می‌دمد و آنچه که می‌آفریند ممکن است فرسنگ‌ها با واقعیت فاصله داشته باشد و این زمانی است که هنرمند با گذر از دنیای ماده پا به دنیای خیال می‌گذارد همین پرواز خیال است که باعث به وجود آمدن یک شعر زیبا یا یک متن دلنشین می‌شود. با توجه به شواهد مطرح شده آنچه مسلم است این است که: زیبایی همواره منطبق با واقع نیست و نبوغ و احساس هنرمند، در آفرینش اثر هنری نقش اساسی دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.